

اغراق نکنید و براندازی رژیم را به تاخیر نیندازید.

چرا به مردم دروغ میگوئید، چرا ما را در رویای آزادی خواب میکنید چرا آزادی ایران را با دروغ پردازی و هیاهوی بی پایه و اساس به تاخیر می‌اندازید. چرا مردم بیچاره ایران را در منجلابی که در آن غوطه میخورند بیهوده به کشتن می‌دهید، چرا غربت نشینی ما را با دروغ‌هایتان عمری جاودانه می‌بخشید. هم میهنان ما در ایران حق دارند که آزاد زندگی کنند و در آسایش باشند و ما هم حق داریم که در وطن خود زندگی کنیم.

روی سختم با شما رسانه‌های خارج از کشور، از جمله رادیوهای مستقر در امریکا و استکهلم میباشد، روی سختم با شما احزابی میباشد که هیچگاه نمی‌خواهید ایران و ایرانی در آرامش و صلح زندگی کنند. دائم فریادتان به آسمان است و از رفتن رژیم و سرنگونی آن سخن میگوئید و به مردم امیدواری پوچ می‌دهید فقط برای حفظ خود و پخش صدایتان و جلب شنونده و محبوب شدن خود، اگر چنین است، این هم خیانت دیگری است به ملت ستم کشیده و آواره ایران. در قبل از انقلاب اعضا کنفدراسیون که مقر اصلی آنان در آلمان و سوئد بود باعث اغتشاش و آشوب در ایران میشدند و نتیجه آن هم متاسفانه انقلاب اسلامی بود که ۲۳ سال پیش در ایران رخ داد، باعث کشته شدن جوانان غیور و با جرات و بی تجربه وطن ما و داغدار شدن خانواده‌های آنان شد. جنگ بی نتیجه ۱۰ ساله‌ای را برای ما به ارمغان آورد که دستاوردی جز کشتار و خرابی و بی‌خانمانی و آوارگی نداشت. اعدام‌های بی حساب و بدون دلیل، مصادره اموال آنان، بی‌سروسامانی خانواده‌های اعدام شدگان در دادگاه بی قانون انقلاب اسلامی، آوارگی نزدیک به ۵ میلیون ایرانی از خاک وطن خود اینها همه بی‌آمدهای این انقلاب خانمانسوز اسلامی بودند. حال این انقلاب را چه کسانی و به چه طریقی به ملت ایران تحویل کردند، مسئله‌ای است که هنوز بدون جواب باقیمانده. احزابی که خود روزی سرسپرده و حامی این انقلاب ننگین بودند، امروزه از دشمنان آن هستند. حزب توده و ایادی آن، جبهه ملی و سرسپردگان آن، مجاهدین خلق و رهبرمعظمشان، همه و همه که روزی سینه چاک امام خودشان بودند و او را حمایت کردند، اکنون همگی به گوشه‌ای خزیده و سینه برای براندازی رژیم و انقلابی دیگر چاک میکنند. در این میان ۶۵ میلیون ملت بی پناه که در چنگال این دژخیمان اسیر هستند، تاوان خطای کسانی را می‌پردازند که فقط به فکر به قدرت رسیدن خود و حزبشان بودند. انقلابی که تمام این باصطلاح افراد روشنفکر با پشتیبانی بی شائبه خود به پیروزی رساندند، و حال که خود دیگر در این دستگاه خلافت هارون‌الرشیدی مقامی را به دست نیاورده‌اند و یا اگر داشتند هم از دست داده‌اند، برای براندازیش باز دست به دامان جوانان این دوره که در آن زمان یا کودک بودند و از ماجراهای اطراف خود بی‌خبر و یا هنوز پا به این دنیای پرتلاطم از ظلم و جور نهاده بود ند شده‌اند. اینک دوباره این جوانان باید سپر بلای مردانی بشوند که به دنبال مقام از دست رفته و یا هنوز به دست نیاورده خود هستند. تمام تلاش اینان این است که با خون جوانان پرشور و بی‌گناه که سرشار از شور زندگی هستند درخت قدرت خود را آبیاری کنند و به حکومت برسند اینان ضحاکانی هستند که دست کمی از رهبر بزرگوارشان خمینی و دارو دسته‌اش ندارند. افراد حزب توده و سازمان‌های ریز و درشت وابسته به آن هر یک سازی جداگانه میزنند و همدیگر را قبول